

## روایتی مردم‌شناختی از پنج سال تجربه زیسته<sup>۱</sup>

دکتر یزدان منصوریان، دانشیار دانشگاه خوارزمی

چه خوب است آدم کتابی بخواند که به کمک آن بتواند به بخشی از تجربه‌های زیسته خود معنایی تازه ببخشد و به شناختی نو از آن‌ها برسد. کتاب «مردم‌نگاری سفر» به قلم دکتر نعمت‌الله فاضلی برای من فرصتی بود تا به تجربه‌ها و آموخته‌هایم از چهار سال زندگی و تحصیل در بریتانیا از منظری تازه بنگرم. گویی دوباره به جزیره بی‌آفتاب سفر کردم، اما این بار همسفری تیزبین و نکته‌سنج داشتم که مردم‌شناس و مردم‌نگار بود و با راهنمایی او توانستم آن سرزمین را از دریچه «مطالعات فرهنگی» ببینم و به آگاهی متفاوتی برسم.

کتاب «مردم‌نگاری سفر: توصیف‌ها و تحلیل‌های انسان‌شناختی از فرهنگ و جامعه امروز غرب» سفرنامه‌ای مفصل و تحلیلی با رویکرد مردم‌شناختی است که دکتر فاضلی آن را در ۲۰ فصل و ۷۹۲ صفحه نوشته است. مجموعه‌ای از مشاهدات ایشان که طی پنج سال تحصیل در «مدرسه مطالعات شرق و آفریقا»<sup>۲</sup> در لندن و سفر به چند کشور - از جمله آمریکا و ایتالیا - به رشته تحریر در آورده است. این اثر هم سفرنامه است و هم زندگی‌نامه خودنوشت. از سوی دیگر یک «گزارش مردم‌نگارانه»<sup>۳</sup> با «سبک روایی»<sup>۴</sup> و بر اساس «داده‌های خودزندگی‌نامه‌ای»<sup>۵</sup> محسوب می‌شود. اما از این واژگان تخصصی نگران نشوید. نثر سلیس و روان کتاب، همراه با طنزی ملایم که در بخشهای مختلف آن پراکنده است، متنی خوش‌خوان، آگاهی‌بخش و سرگرم‌کننده در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

اساساً آنچه این اثر را از آثار مشابه متمایز می‌سازد رویکرد مردم‌شناختی نویسنده به همه رخدادها، پدیده‌های اجتماعی، ساختمان‌ها، خیابان‌ها، نهادها، رسانه‌ها و مناسبات فرهنگی و آموزشی طی سفری پنج‌ساله است. در نهایت محصول آن نه یک سفرنامه معمولی، بلکه یک «مردم‌نگاری سفر» است و به همین دلیل عنوان کتاب با محتوایش کاملاً سازگار و همخوان است. برای خواننده‌ای مثل من که تجربه‌ای مشابه با نویسنده دارد، این تحلیل‌های عمیق فرصتی بود برای دیدن آن تجربه‌ها از منظری تازه. به همین دلیل، کتاب را که می‌خواندم در بخشهای مختلف آن با

<sup>۱</sup> منصوریان، یزدان (۱۳۹۴) روایتی مردم‌شناختی از پنج سال تجربه‌ی زیسته، مروری بر کتاب «مردم‌نگاری سفر: توصیف‌ها و

تحلیل‌های انسان‌شناختی از فرهنگ و جامعه امروز غرب»، اثر دکتر نعمت‌الله فاضلی، لیزنا، بخش برگ سپید، ۱۵ آذر ۹۴.

<sup>۲</sup> The School of Oriental and African Studies (SOAS)

<sup>۳</sup> Ethnographic Account

<sup>۴</sup> Narrative Style

<sup>۵</sup> Autobiographic Data

خود می‌گفتم باید مردم‌شناس و مردم‌نگار باشی که به این نکته‌ها توجه کنی. مثلاً، من هم به یورک سفر کرده بودم، اما بخش عمده‌ای از آنچه دکتر فاضلی آنجا دیده و در فصل پنجم کتاب نوشته بود از چشم پنهان مانده بود. من هم مجسمه‌های فراوانی در گوشه و کنار شهرهای آن جزیره دیده بودم، اما مجسمه‌ها کلامی با من سخن نگفتند! سوار چرخ و فلک «لندن آی» هم شده بودم، اما آهستگی حرکت و شکل و شمایل آن پیام مشخصی برایم نداشت. به کمک این اثر فهمیدم چگونه این چرخ و فلک جوان توانسته برای لندن کهنسال به نمادی جهانی تبدیل شود. لندن را دیده بودم اما مهارت یک مردم‌شناس را نداشتم که بفهمم چگونه این شهر با آنکه هر روز پیرتر می‌شود، گرفتار ناتوانی و از کار افتادگی نشده و چگونه توانسته کهنسال بماند، اما جوان و پویا زندگی کند. در آن چهار سال چند باری به بیمارستان رفته بودم، اما چنان در دنیای ذهنی خویش گرفتار بودم که بسیاری از واقعیت‌ها از نگاهم پنهان ماند. به یک مردم‌شناس خیره نیاز داشتم تا بهتر دیدن را به من بیاموزد.

بنابراین، این کتاب برایم سفری دوباره به اقلیم و جامعه‌ای بود که چهار سال در آن زیسته بودم. البته من فقط یکی از مخاطبان این اثرم و از منظر تجربه خود به آن نگریستم. مخاطبان آن همه کسانی هستند که می‌خواهند دنیای پیرامون خود را دقیقتر و عمیقتر بنگرند. هر چند این متن سرشار از اطلاعات مفید، منسجم و مدونی از تاریخ، جغرافیا و جامعه بریتانیاست، اما جذابیتش دلیل دیگری دارد. به نظرم جذابیت آن نه متأثر از زمان و مکان رخدادهاست، نه وابسته به موضوع آن‌ها. بلکه مرهون نگرش تحلیلی و تفسیری نویسنده به جهان پیرامون خود است. اطمینان دارم اگر مولف به هر کشور دیگری سفر کرده بود، باز هم روایتی خواندنی در آن سفرنامه به ثبت می‌رسید. زیرا آنچه بیش از زمان و مکان و رخدادها اهمیت دارد، چگونه نگریستن به آنهاست که برای خواننده بینشی و بصیرتی تازه به ارمغان می‌آورد.

بنابراین، مخاطب کتاب فقط کسانی نیستند که اهل سفر و مشتاق آشنایی با فرهنگ‌ها و سرزمین‌های دیگرند. حتی کسانی که هرگز شهر و دیار خود را ترک نکرده‌اند و اشتیاق چندانی برای آشنایی با فرهنگ‌های دیگر ندارند از آن بهره خواهند برد. زیرا با خواندن آن می‌توان به تعریف تازه‌ای از مفهوم «سفر» رسید. سفر به مثابه شیوه‌ای از زیستن. سفر به مثابه شکل دیگری از بودن و شدن. فرصتی برای دوباره دیدن «خود» و «دیگری». برای هر لحظه نو شدن. پیوسته و بی‌وقفه. سفری که در آن گرچه روزهای زندگی تکراری است اما ملال‌انگیز نیست. روزها شبیه یکدیگرند، اما هر روز منحصر به فرد است. زیرا هر لحظه آن در درون خود با تولدی دیگر همراه است. اصلاً با این نگرش زمان

---

<sup>6</sup> London Eye

شکل دیگری خواهد یافت: «برای همهء کسانی که عشق را با لحظه‌های زندگی در آمیخته‌اند زمان نه تند و نه کند می‌گذرد، بلکه هر لحظه ابدیتی است و سعت یافته به پهنای وجود». (ص. ۱۸۷)

این کتاب به ما می‌آموزد چگونه می‌توانیم در خانه، محله و شهر خود سفر کنیم. کافیست به دنیای اطرافمان با نگاهی ژرف بنگریم. سفر سیر و سلوکی درونی است که البته بودن در جغرافیایی جدید فرصت بهتری برای آن فراهم می‌آورد. بنابراین، تعریف سفر در اثر حاضر بسیار وسیع‌تر از معنای متداول آن است. سفر آن نیست که سوار اتوبوس، قطار یا هواپیما شویم و پا به سرزمین دیگری بگذاریم. در این نگرش «مکان مقصد هیچ مسافری نیست». حتی آدم می‌تواند در بستر بیماری سفر کند. فصل سوم کتاب با عنوان «مردم‌نگاری یک بیماری و بیماری یک مردم‌نگار» نمونه‌ای از این سفر است. نوع مواجههء نویسنده با بیماری، جراحی و بستری شدن در بیمارستان، که نشان می‌دهد چگونه لحظه‌های سخت زندگی می‌تواند منبعی الهام‌بخش برای آموختن باشد. به شرط آنکه آدم وقتی در آن شرایط قرار می‌گیرد به زمین و زمان ناسزا نگوید و از سرنوشت شکایت نکند و مرتب نپرسد که «چرا من؟». بلکه فعالانه و آگاهانه با آن روبرو شود. خودش را در مرکز عالم نبیند و تصور نکند همه جهانیان موظفند فقط درد او را تسکین دهند. به آدم‌های اطراف خود هم بنگرد. به بیماران دیگر، به همراهانشان، به پزشکان، پرستاران و دشواری کاری که انجام می‌دهند. بله بیماری هم فرصتی برای آموختن است به شرط آنکه بتوانیم آن را به درستی تحلیل کنیم که به تعبیر نویسنده و به نقل از «وان ژنپ» می‌تواند برایمان نوعی «مناسک گذر» باشد. یعنی از مرحله‌ای به مرحله دیگری از زندگی وارد می‌شویم: «بیماری‌های بزرگ در مقاطع خاص سنی نیز نوعی مناسک گذر هستند. انسان در طول حیات خود به زمانهایی نیاز دارد که خود را به مرحله دیگری منتقل کند. گاهی یک حادثه، زندان یا بیمارستان این فضا را فراهم می‌کنند. به طور کلی، لحظات دشوار زندگی، به تعبیر انگلیسی‌ها «اشز تایم» - مانند طلاق، بیماری، ورشکستگی، از دست دادن عزیزی و غیره - می‌توانند گام‌هایی به سوی رهایی انسان از روزمرگی و دشواری‌های زندگی باشند. در این لحظات است که حس انسانیت در ما تقویت می‌شود و عمق می‌یابد، و ما را برای ورود به مراحل دیگر زندگی مهیا می‌سازد.» (ص. ۱۷۹).

در مجموع، کتاب حاضر بیانگر این واقعیت است که نگاه مردم‌شناختی به پدیده‌ها و رخدادها به ما کمک می‌کند حداقل به چهار دستاورد برسیم. نخست، خود را بهتر بشناسیم. زیرا با نگرستن به دیگران است که فرصتی برای کشف خود می‌یابیم. دوم آنکه زمینه‌ای برای گفتگو و دیالوگ فراهم آوریم. گفتگویی که تنها راه رسیدن به «فهمی همدلانه» است. سوم آنکه دانش و نگرشی تطبیقی در اختیارمان قرار خواهد گرفت که همچون لنزی برای دوباره دیدن جهان به

کارمان خواهد آمد. سرانجام به شناختی از «دیگری» می‌رسیم که مستقل از پیش‌فرض‌ها و پیشداوری‌های ماست. به این ترتیب، از کلیشه‌ها رها می‌شویم و گامی به سوی «آگاهی ناب» بر می‌داریم.

سخن پایانی

کتاب «مردم‌نگاری سفر» بیش از آنکه روایت زندگی دانشجویی نویسنده باشد، دستنامه‌ای برای یادگیری «نگاه مردم‌شناختی» به جامعه است. با نثری ساده، سلیس و صمیمی لنز تازه‌ای در اختیار خواننده قرار می‌دهد تا به کمک آن بتواند به تجربه‌های زیسته خود دوباره بنگرد و به آن معنایی تازه بخشد. نویسنده به مخاطب نمی‌گوید بیا و بنشین تا برایت داستانم را تعریف کنم. بلکه می‌خواهد نمونه‌ای از یک نگاه فعال، انتقادی و عمیق را از تجربه‌های زندگی به نمایش بگذارد. بیش از آنکه بخواهد شنونده روایتش باشیم، می‌خواهد ما هم نویسنده روایت خودمان باشیم. در مقدمه فصل پنجم که درباره سفری یک روزه به شهر یورک است می‌خوانیم: «سفر یک روزه سفر نامه نوشتن ندارد. این باوری است که همه باور دارند. از جمله خودم! اما اگر قلم را برداشته و آنچه را در یک روز زندگی اتفاق می‌افتد بنویسیم، در می‌یابیم که نه تنها سفر یک روزه، بلکه هر لحظه زندگی ارزش نوشتن دارد. تنها با ثبت لحظات زندگی است که می‌توانیم گذر زمان و زندگی را ماندگار و معنادار کنیم، و می‌توانیم یک لحظه، یک ساعت و یک روز را به یک عمر تبدیل کنیم. در آن صورت هر لحظه زندگی حکایت عمری است، و یک عمر زندگی را می‌توان و بهتر است بگویم باید نوشت.» (ص. ۲۵۵).

مشخصات اثر:

فاضلی، نعمت‌الله. «مردم‌نگاری سفر: توصیف‌ها و تحلیل‌های انسان‌شناختی از فرهنگ و جامعه امروز غرب»، تهران: آراسته، ۱۳۹۰، ۷۹۲ صفحه.